



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

اصول الفقه (ملازمات عقليه)

غير مستقلات عقليه

جلسه ۱۸۲

استاد رفعتی

غير مستقلات عقليه:

مقصود از غير مستقلات عقليه، اموری است که عقل به تنهایی در رسیدن به نتیجه نتواند حکم نماید؛ بلکه نیاز به کمک حکم شرعی دارد؛ به این نحو که یکی از دو مقدمه قیاس (یعنی صغری) را حکم شرعی تشکیل داده و دیگری (یعنی کبری) را حکم عقلی. و مقصود از حکم عقلی که کبرای قیاس از آن تشکیل می‌شود، حکم عقل به ملازمه بین حکم شرعی که در صغری آمده و بین حکم شرعی دیگر می‌باشد.

مثال

عقل حکم می‌کند به ثبوت ملازمه بین وجوب شرعی ذو المقدمه و وجوب شرعی مقدمه.

مبحث اجزاء

مقدمه:

وقتی مکلف آنچه را که مولایش امر نموده بر وجه مطلوب بیاورد؛ یعنی مطلوب مولی را مطابق امری که به آن شده (در حالی که جامع تمام اجزاء و شرائط شرعی و عقليه باشد) اتيان نماید؛ این فعل از مکلف امتثال امر محسوب می‌شود؛ اعم از آنکه امر اختیاری واقعی بوده یا اضطراری و یا ظاهری باشد و در این امر اختلافی روی نداده است.

همچنین خلافی نیست در اینکه امتثال مزبور با این صفتی که برایش ذکر نمودیم، مجزی بوده و می‌توان بواسطه‌اش از امتثال دیگر مستغنی شد؛ زیرا به حسب فرض مکلف تکلیف را بر وجه مطلوب و به نحو دلخواه آمر آورده؛ پس وجهی برای امتثال دیگر وجود ندارد.



مرکز مجاز امام صادق (ع)

و در چنین فرضی امری که به مکلف متوجه شده ساقط می‌گردد؛ زیرا بواسطه انجام فعل، آنچه مکلف به آن دعوت شده بود، حاصل گردید و زمانش سپری و منقضی گردید و مستحیل است پس از حصول غرض امر، امر همچنان باقی باشد؛ زیرا وقتی غایت و غرضی که موجب خواندن مکلف به انجام فعل بود حاصل شد، زمان دعوت پایان رسیده و اگر دعوت باقی بماند، معنای آن تحصیل حاصل بوده که امر مستحیل و غیر ممکن می‌باشد و یا می‌توان گفت بقاء دعوت، بدون بودن غرض و غایت از مصادیق وجود معلول بدون علت است که امر محال تلقی می‌شود.

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv